

بسیوی ایشان اشارت کرد پیش از آنکه گفت ابوذر صاحب رسول  
 صلی الله علیه و سلم در حالت نزع است گفتند پیرو ما درین قوی  
 وی باد و بسوی وی ایستاد ایشان را امر جفا گفت و بیعت جدیدت گشته  
 اشتغال نمود بعد از آن گفت گفتند ما را اینها تمام که گفتن من کسی بود  
 که امر و عامل نقیب قومی بنوده باشد جوای از انصار در میان ایشان  
 بود گفت ای قسم من هیچ یک بنوده ام و در جاهه و امر که با من دارم  
 که ما درین رشته است و یافته ابوذر رضی الله عنه و بر او عای خیر کرد  
 بعد از آن وفات یافت آن جماعت بروی خاک گذارند یکی از  
 ایشان ابن مسعود بود و دیگر مالک بن اشتر رضی الله عنهما **از جمله**  
**اشخاص** که ابوذر رضی الله عنه گفته است که روزی جمعی  
 در حضرت رسول صلی الله علیه و سلم نشستند بودیم در مجالس بنی  
 در میان ما بود رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که این قبیله که از شما  
 یوم القيمة فی النار اعظم من احد و جوان قوم که در مجلس بودند  
 یافتند و بنی زینم و رجال کسی نمائند خوف بر من مستولی است  
 و ایم از حال رجال خبری برسیدم چون خبر از آنرا و امر او وی

شنیدم خوف من کمتر شد **از جمله اشخاص** که در این حدیث را  
 رضی الله عنه در احد با در خیره تر رسیدند آن پیش رسول صلی الله  
 علیه و سلم آمد و گفت یا رسول الله این تر از سینه من کجاست  
 فرمود که ای رافع اگر خواهی تر و بیجان مرد در این سینه و اگر خواهی تر را  
 بکشم و بیجان را بگذارم و گویای و هم از برای تو در قیامت که تو  
 شنیدی رافع گفت یا رسول الله تر را بکشم و بیجان را بگذارم  
 در قیامت بشناوت من گویای ده رسول صلی الله علیه و سلم تر را  
 کشید و بیجان را کشید است رافع رضی الله عنه تا زمان معاویه  
 رضی الله عنه بر سینه پس جرحت وی ناز شد و بر آن بگردد  
**از جمله اشخاص** که در این حدیث را **از جمله اشخاص**  
 و البر عظام رضی الله تعالی عنهم تطهر را دیده است از امام امام احمد  
 حنبل رضی الله عنه سوال کردند که سبب چیست که از اصحاب رسول صلی  
 علیه و سلم کرامات و خوارق عادات آن مصادرا می شد  
 رسیدند است که از اولیا را همه و صلی ایشان رسیدند است  
 فرمود که ایمان ایشان همان قوی بود که حاجت بان نداشتند و از

رسول از آنرا